

علل و عوامل رکود یا کمرنگی دینداری بعضی مردم از منظر امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه

حسین جلائی نوبری^۱

^۱ دانشیار و هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز و عضو عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش های بین رشته ای معارف اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور

چکیده

دین بزرگترین محبت الهی به بشر است که انسان را به سوی سعادت ابدی رهنمون می سازد. دینداری به انسان شرافت و عزت می بخشد و او را از اسارت ها و تعلقات و وابستگی های انسانی و حیوانی آزاد می سازد. این برنامه ی سعادت و رستگاری بشر است اما پیوسته عواملی به صورت پیدا و پنهان دینداری را تهدید می کند. از نگاه امام علی (علیه السلام) عواملی چون اکراه و اجبار در دین، بد فهمیدن و نفهمیدن دین، تحریف معنوی مفاهیم دینی، ایجاد تکلف در دین، رفتار خود کامانه حاکمان دین از جمله آفات هستند که دینداری را تضعیف می کند. دینداری با رعایت شرایط و اصول و معیارهای خاص خود امکان پذیر است و عدم رعایت این اصول موجب آفت زدگی معرفت دینی می شود. نهج البلاغه، دریای معرفت بی انتها و نور هدایت که بدون خاموشی است و دستورالعملی برای سیادت این جهانی و سعادت آن جهانی است، پاسخگوی مسائل و مشکلات گوناگون مسلمانان و جوامع بشری در همه زمانها و مکانها می باشد امید است با یاری خداوند آفات دینداری را شناخته و به مقابله با آنها با یاری کلام مولا بپردازیم.

واژه های کلیدی: امام علی (علیه السلام)، کمرنگی، دین، دینداری، نهج البلاغه

مقدمه

دین زیباترین جلوه رحمانیت حق برای هدایت نوع بشر است و دینداری رویکرد به این رحمانیت و سیردر مسیر هدایت است. در این مسیر پیوسته راهزنانی به صورت آفات دین و دینداری ظهور کرده است که شناخت آنها از آداب مهم دین داری است. تا هم در میان مدافعات نظری و معرفتی و هم در میدان عمل و دینداری، دین تحت تاثیر این آفت ها قرار نگیرد و دچار ضعف و سستی نشود. به سبب آسیب دیدن دین و آفت یافتن دینداری حریم های انسانی و مرزهای سلوک اجتماعی متزلزل می شود و انواع تهدیدها و حرمت شکنی ها و تباهی ها ظهور می کند. با توجه به اهمیت سلامت دین و دینداری نزد امام علی (علیه السلام) طبیعی است که رویکرد به آسیب شناسی دین و دینداری در بیانات و مکتوبات آن حضرت به طور جدی مطرح باشد که این نوشتار با الهام از فرمایشات امام علی (علیه السلام) سعی دارد تا حدودی آفات دینداری را شناسایی و راه های مقابله با آن را مطرح نماید.

در این خصوص کتاب "بررسی عوامل دین گریزی و تضعیف آن" (۱۳۹۰) نوشته مهدی نکویی سامانی، آسیب شناسی دین و دینداری را در همه ابعاد کلامی و اعتقادی، معرفتی، تفسیری، عبادی، اخلاقی و فقهی بررسی می کند.^۱

علیرضا اسعدی در کتاب "امام علی و دینداری" (۱۳۸۳): آسیب شناسی دین داری را بر اساس احادیث امام علی (علیه السلام) و در قالب مفهوم دینداری، عوامل فردی تضعیف دینداری و عوامل جسمی تضعیف دینداری بررسی کرده است.^۲

احمد سالمی در پژوهشی با عنوان "بررسی فقر بر انحرافات اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)" (۱۳۸۹)، فقر را یکی از عوامل مؤثر بر تضعیف دینداری معرفی کرده و از نظر امام علی (علیه السلام) مورد بررسی قرار داده است.^۳

مرجان درستی مطلق در پژوهشی با عنوان "راهکارهای گرایش جامعه به دینداری" (۱۳۸۳) به بررسی عواملی که مردم را مستقیماً مجذوب دین می کند و عواملی که مردم را مجذوب متدینان و اهل ایمان می کند، پرداخته است.^۴

این پژوهش بر آن است تا با شناخت عوامل تضعیف دینداری و بیان خطرات هرکدام از آن ها و ارائه راهکارهای مقابله با آنها با استفاده از کلام امیر مومنان علی (علیه السلام) برای دستیابی به جامعه ایمانی قدمی کوچک بردارد. لذا ضروری است در جهت تقویت دین و دینداری با مراجعه به کلام گهربار امام علی (علیه السلام) به مقابله با تضعیف دینداری بپردازیم.

برای بهبود بسیاری از مشکلات اعم از فرهنگی، دینی و اجتماعی و برای مقابله با تضعیف دینداری، باید بدانیم که چه عواملی سبب ضعف و قوت دینداری میشود؟ وبا استفاده از کلام امیر مؤمنان چگونه با تضعیف دینداری مقابله کنیم ؟

مفهوم شناسی

تضعیف

معنای لغوی: ناتوان سازی و ناتوان کردن است.^۵

^۱ نکویی سامانی ، مهدی، بررسی عوامل تضعیف دین گریزی و تضعیف آن (۱۳۹۰)

^۲ اسعدی علیرضا ، امام علی و دینداری (۱۳۸۳)

^۳ سالمی ، احمد ، (۱۳۸۹)

^۴ درستی مطلق ، مرجان تابستان (۱۳۸۳)

^۵ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۸، ص ۶۳۲.

معنای اصطلاحی: سست و ناتوان پنداشتن کسی و ناتوان کردن کسی است.

دینداری

معنای لغوی: دین در لغت به معنای رستگار شدن، اطاعت نمودن، پاداش، حساب و پرهیزگاری است.^۶ در اصطلاح: مجموعه ای از باورها درباره هستی و ارزش های مبتنی بر این باورها است که فروع و احکام دین و نیز اخلاقیات و فضائل و رزائل نفسانی را در بر می گیرد.^۷ با توجه به معنای دین مراد از دینداری روشن میشود، چون دینداری همانا تقید به آموزه ای دین است.

۱- آسیب های فرهنگی

یکی از هدفهای رواج دینداری در جامعه گسترش معنویت و فرهنگ سازی و بر اساس معیارهای دینی است بنابراین اگر آسیب ها و چالشهای فراروی مسائل فرهنگی را شناسیم و این آسیب ها را بر طرف نسازیم با توجه به نقشی که دین در فرهنگ آفرینی دارد به سوی تضعیف دینداری پیش خواهیم رفت. دین به عنوان مهمترین زیر ساخت فرهنگ، موجب تغییر در باورها می شود و از سویی چون ریشه در فطرت انسان ها دارد، امری همگانی به حساب می آید.^۸

۱-۱ تحریف مفاهیم دینی

از امور مهم در آسیب دیدن دین و دینداری، تحریف مفاهیم دینی است، به طوری که مفاهیم دینی دگرگون شده و به چیزی دیگر، جزآنچه وضع اصلی است، تغییر می یابد و چون دگرگون شده نمی تواند هدایتگر باشد. تحریف آفتی است که چهره دین را نازیبا می سازد و از جاذبه های آن میکاهد و این بدعت ها زمانی که به اسم دین عرضه میگردد از شان و منزلت دین میکاهد.

تحریف انواعی دارد که مهمترین آنها عبارت است از: تحریف معنوی و تحریف لفظی. در تحریف لفظی ظاهر مطلب عوض می شود ولی در تحریف معنوی آن را طوری می کنند که خلاف مقصد و مقصود گوینده است.^۹ امیر مومنان (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«أَخْرَقْتُ تَسْمِيَّ عَالِمًا وَ لَيْسَ بِهِ، فَأَقْتَبَسَ جَهَانِلَ مِنْ جِهَالٍ وَ أَضَالِيلَ مِنْ ضَلَالٍ وَ نَصَبَ لِلنَّاسِ أَشْرَاكَأَ مِنْ حَبَائِلِ غُرُورٍ وَ قَوْلٍ زُورٍ، قَدْ حَمَلَ الْكِتَابَ عَلَى آرائِهِ وَ عَطَفَ الْحَقَّ عَلَى أَهْوَائِهِ، يُؤْمِنُ النَّاسُ مِنَ الْعَطَائِمِ وَ يَهْوُونَ كِبِيرَ الْجَرَائِمِ، يَقُولُ أَقْفُ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ وَ فِيهَا وَقَعٌ وَ يَقُولُ أُعْتَزِلُ الْبِدْعَ وَ بَيْنَهَا اضْطَجَعَ، فَالْصُّورَةُ صُورَةُ إِنْسَانٍ وَ الْقَلْبُ قَلْبُ حَيَوَانٍ، لَا يَعْرِفُ بَابَ الْهُدَى فَيَتَّبِعُهُ وَ لَا بَابَ الْعَمَى فَيَصُدُّ عَنْهُ وَ ذَلِكَ مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ.» از میان بندگان، دیگری است که خود را دانشمند نامد و از دانش در او نشانی نیست.

^۶ معلوف، فرهنگ نوین، ج ۲، ص ۲۳۱.

^۷ مصباح یزدی، قلمرو دین، ص ۲۳۵.

^۸ پیشقدم، آسیب های حکومت دینی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، ص ۱۸۵.

^۹ مطهری، حماسه حسینی، ص ۱۳.

مشتی افکار جاهلانه از جاهلان و گمراهیهایی از گمراهان فرا گرفته، بر سر راه مردم دامهای فریب گسترده و سخنان باطل گوید و کتاب خدا را به رأی خود تفسیر کند و حقیقت را به مقتضای هوای خویش به این سو و آن سو متمایل سازد. مردم را از خوف و خطر قیامت ایمن گرداند و گناهان بزرگ را خوار مایه جلوه دهد. می گوید: چون امر شبهه ناکی پیش آید، توقف کنم، ولی، خود در آن می افتد. می گوید: از بدعتها کناره می جویم و، خود همواره با بدعتها دمساز است. صورتش صورت انسان است و دلش دل حیوان. درگاه هدایت را نمی شناسد، که بدان روی نهد، آستان کوری و جهالت را نمی داند، که از آن رخ برباید. مرده ای است در میان زندگان.^{۱۰}

پس اگر مفاهیم دینی از موضع اصلی خود منحرف شود و به مفاهیمی واژگون و مخالف تبدیل میشود، دین و دینداری دچار آسیب میشود و خواسته دین از آن مفاهیم برآورده نمیشود؛ و عملکرد دینی بر اساس مفاهیم تحریف شده، انسان را در درمیسیر هدایت قرار نمیدهد، بلکه باعث گمراهی و هلاکت خواهد شد.^{۱۱}

امام علی (علیه السلام) برای در امان ماندن زهد از تحریف، به تبیین مفهوم درست زهد اسلامی همت نمود. زهد اسلامی بریدن از مردم و جامعه و ترک زندگی و خانواده نیست، بلکه با مردم بودن و در جامعه زیستن و تلاش همه جانبه نمودن، و در عین حال، از رابطه نفسانی و تعلق پست و نسبت آلوده با امور مختلف آزاد بودن است. ولی عده ای زهد را با رهبانیت که بریدن از مردم است خلط کرده اند در حالی که زهد اسلامی غیر از رهبانیت است.^{۱۲}

امام علی (علیه السلام) زهد اسلامی را به روشنی تعریف کرده و فرموده است:

«النَّاسُ الزَّهَّادَةُ قِصَرُ الْأَمَلِ وَالشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ وَالْوَرَعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ» ای مردم! زهد، دامن آرزو درچیدن است، و شکر نعمت حاضر گزاردن، و از ناروا پارسایی ورزیدن.^{۱۳}

«مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا حَصَّنَ دِينَهُ» هر که در دنیا زهد بورزد، دین خود را نگه داشته است.^{۱۴}

۲-۱ بدفهمیدن و نفهمیدن دین^{۱۵}

اگر دین به درستی فهمیده نشود و عمیق دریافت نگردد، هم فهم و هم دریافت آسیب میبیند، و چنین فهم و دریافتی، گرد خود گشتن و راه به جایی نبردن است، چنان که مولا علی فرموده است:

«عَبْدٌ عَلَى غَيْرِ فِقْهِ كَحِمَارِ الطَّاحُونَةِ؛ يَدُورُ وَلَا يَبْرَحُ» متعبد بدون فهم عمیق مانند خر آسیاست که به دور خود می گردد و راه به جایی نمی برد.^{۱۶}

^{۱۰} نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

^{۱۱} دلشاد تهرانی، راهزنان دین، ص ۸۷.

^{۱۲} مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۲۳۳.

^{۱۳} نهج البلاغه، خطبه ۸۰.

^{۱۴} شرح غرر الحکم، ج ۵، ص ۲۰۰.

^{۱۵} در مقاله ای از نویسنده با عنوان «عوامل جامعه شناختی دین‌گریزی جوان» که در مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۸، ص ۱۶۱-۱۷۳ به چاپ شده مراجعه فرمایید.

^{۱۶} محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۸، ص ۸۳.

بد فهمیدن دین، موجب آسیب دیدگی دین و دینداری می شود و موجب کج فهمی و خودمداری می شود. امام علی (علیه السلام) از چنین رویکردی به دین پرهیز داده و فرموده است:

«وَلَا تَكُونُوا كَجَفَاةِ الْجَاهِلِيَّةِ، لَا فِي الدِّينِ يَتَفَقَهُونَ وَلَا عَنِ اللَّهِ يَعْقِلُونَ، كَقَيْضٍ بَيْضٍ فِي أَدَاخٍ يَكُونُ كَسْرُهَا وَزَرًّا، وَ يُخْرِجُ»^{۱۷} همچون مردم درشت خوی اهل جاهلیت میباشید که نه در دین فهمی دارند، و نه شناسای کردگارند (به صورت انسان، و در درون پست تر از جانوران)، همانند تخم شتر مرغی در گودالی در ریگستان که شکستن آن گناه باشد و اگر نشکنندش بسا از دورن آن ماری بزاید.

فهم نادرست از دین، از خوارج مردمانی ساخت، تنگ نظر و کوتاه بین که همه را بر خطا و منحرف میدانستند، و جز خود و امثال خود را برحق نمی دیدند. آنان مردمی تنگ نظر و کوتاه بین بودند؛ که در افقی بسیار پست فکر می کردند و مانند همه کوتاه نظران دیگر مدعی بودند که همه بد می فهمند و یا اصلاً نمی فهمند و راه خطا می روند و همه جهمی هستند. آنان با بد فهمیدن خود دچار اندیشه های غلط و خطرناک شدند و به نام دین ریختن خون بی گناهان را جایز شمردند. پیکار علی با خوارج، پیکار با طرز اندیشه و فکر آنهاست، نه پیکار با افراد، زیرا اگر افراد این چنین فکر نمی کردند، علی نیز این چنین با آنها رفتار نمی کرد. خوششان را ریخت تا با مرگشان اندیشه آن اندیشه ها نیز بمیرد قرآن درست فهمیده شود و مسلمانان اسلام و قرآن را آنچنان ببینند که هست و قانون گذارش خواسته است.^{۱۸}

امیرالمومنین در سفارش های خود تاکید نموده است که دین به درستی و عمیق فهمیده شود تا انسان از آفت خطرناک نادرست فهمیدن و نفهمیدن دین در امان بماند.

۳-۱- اکراه و اجبار در دین

دین حقیقتی است معنوی و گوهری که با جان و دل آدمی سر و کار دارد. باور دینی و ایمان چیزی نیست که با اکراه و اجبار، با تهدید، شدت و خشونت شکل گیرد. در اموری که با قلب و جان آدمی سر کار دارد، اکراه و اجبار بی معناست. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در حکمتی والا و باره ماهیت ایمان و جلوه های آن فرموده است: «الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ، وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ»^{۱۹}

ایمان، شناختن به دل است و اقرار به زبان و با اندامها بردن فرمان.

در اموری که با جان و دل انسان پیوند دارد، اگر پای اکراه و اجبار به میان آید، موجب کوری دل می شود و آنچه از دل کور برخیزد، آسیب دیده و آفت زده و بی ارزش است. امیر مؤمنان در این باره فرموده است: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَإِقْبَالًَ وَإِدْبَارًا، فَأَتَوْهَا مِنْ قَبْلِ شَهْوَتِهَا وَإِقْبَالِهَا، فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ». دلها را هوایی است و روی آوردن و پشت کردن؛ پس دلها را آن گاه به کار گیرید که خواهان است و مشتاق، زیرا دل اگر به ناخواه به کاری وادار شود، کور گردد.^{۲۰}

^{۱۷} نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶.

^{۱۸} مطهری، جاذبه و دافعه علی (علیه السلام)، ج ۱، ص ۱۶۹.

^{۱۹} نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷.

^{۲۰} نهج البلاغه، حکمت ۱۹۳.

آموزشهای علوی برخاسته از آموزشهای الهی است که خدای سبحان رویکرد به دین و پذیرش دین را به دور از اکراه و اجبار خواسته و چنین چیزی را کاملاً نفی کرده و فرموده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ». لکن کار دین اکراه روا نیست، چرا که راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است. پس فرمایش الهی دین اجباری را نفی میکند، زیرا دین عبارت است از یک سلسله معرفت‌ها علمی که یک رشته معرفت‌ها علمی دیگر را به دنبال دارد و روی هم رفته از اعتقادات تشکیل میشود، و اعتقاد از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد، زیرا اکراه فقط در اعمال ظاهری و افعال و حرکات بدنی و مادی تأثیر دارد، و اعتقادات قلبی دارای علل و اسباب دیگر از سنخ اعتقاد و ادراک است، و محال است که نتیجه جهل علم باشد، یا اینکه مقدمات غیر علمی موجب تصدیقات علمی گردد. بنابراین در منطق الهی اعتقادی که با اکراه و اجبار شکل گرفته باشد فاقد روح ایمان و اعتقاد دینی است. فرزند قرآن و تربیت شده پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) یعنی علی (علیه السلام) نیز هرگز هدایت و تربیت را به آفت تباه کننده حقیقت دیانت، یعنی اکراه و اجبار نیالود و برترین درس ها را به مردمان آموخت.^{۲۲}

۴-۱ تقلید نکوهیده^{۲۳}

زندگی انسان پیوسته با تقلید و پیروی همراه است، اما پیروی و تقلیدی که بر مبنای اندیشه و تعقل و بصیرت باشد، و نه پیروی کورکورانه و تقلید غیر بصیرانه. در منطق دین جایی برای تبعیت و دنباله روی کورکورانه و پیروی جاهلانه در هیچ موردی نیست و این نوع تقلید و پیروی ممنوع است. استاد شهید مطهری در این باره می نویسد تقلید بر دو قسم است ممنوع و مشروع. یک نوع تقلید است که به معنای پیروی کورکورانه از محیط و عادت است که البته ممنوع است، و آن همان است که در آیه قرآن به این صورت مذمت شده:

«إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ» گفتند ما پدران خود را بر آیینی یافته ایم و همانا بر پی ایشان می‌رویم. اینکه گفتیم تقلید بر دو قسم است، ممنوع و مشروع؛ مقصود از تقلید ممنوع تنها این تقلید که تقلید کورکورانه از محیط و عادت و آبا و اجداد است نیست، بلکه می‌خواهم بگویم همان تقلید جاهل از عالم و رجوع عامی به فقیه بر دو قسم است: ممنوع و مشروع^{۲۴}

بسیاری از مصیبت‌هایی که در طول تاریخ بر اهل دیانت، و بر اسلام و مسلمانان رفته است، به سبب فرهنگ تقلید کورکورانه و پیروی نا آگاهانه بوده است، چنانکه امام علی (ع) درباره پیروان معاویه و مصیبت‌هایی که از جانب آنان پیش آمد، همین را مطرح کرده است:

«أَنَاسٌ مِّنْ أَهْلِ الشَّامِ الْعُمَى الْقُلُوبِ، الصَّمِّ الْأَسْمَاعِ، الْكُمَةِ الْأَبْصَارِ، الَّذِينَ يَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ، وَ يُطِيعُونَ الْمَخْلُوقَ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ»^{۲۵} مردمی کوردل که گوشه‌هایشان در شنیدن سخن حق ناشنوایی و دیده‌هایشان در دیدن آن نابینا. کسانی که حق را از راه باطل می‌جویند، وبا اطاعت مخلوق، راه معصیت خالق را می‌پویند.

^{۲۱} بقره: ۲۵۶.

^{۲۲} دلشاد تهرانی، آسیب شناسی دین و دینداری در نهج البلاغه، صص ۵۶ و ۵۹.

^{۲۳} . در مقاله ای از نویسنده با عنوان «عوامل جامعه شناختی دین‌گریزی جوان» که در مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۸، صص ۱۶۱-۱۷۳ به چاپ شده مراجعه فرمایید.

^{۲۴} مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۱۷۴.

^{۲۵} نهج البلاغه، نامه ۳۳.

امام علی (علیه السلام) آنان که دین را بدون فهم و کورکورانه فرا میگیرند، از دایره انسانیت بیرونند، چنانکه آن حضرت ایشان را به چارپایان چرنده تشبیه می‌نماید. تقلید ویرانگر، شخصیت انسانی فرد را دگرگون می‌سازد و او را به مرتبه حیوانی تنزل می‌دهد. از این رو امام درباره آنها حقیقت را بیان فرموده است: «لَأَنْعَامُ أَلْسَائِمَةٌ».^{۲۶}

بنابراین تقلید و پیروی در دین در صورتی سبب تقویت دینداری می‌شود که مشروع باشد و تقلید مشروع چشم بستن نیست، چشم باز کردن و مراقب بودن است.

۵-۱ فقر ۲۷

عامل فقر به عنوان یک پدیده و واقعیت ناخوشایند اجتماع است و معمولاً نباید در جامعه بشری وجود داشته باشد. روی این اصل دین اسلام فقر و تنگدستی را جزو یکی از مصیبت های بزرگ و از جمله بلای جامعه بشری که تا سرحد نابودی آن تاثیر دارد، معرفی نموده است و ریشه کنی آن از اجتماع را اصلی ترین هدف و وجهه همت خود قرار داده است. چهره نازیبای فقر و تبلیغات منفی رسانه ها مبنی برنامه ریزی آمدی دین در حل مشکلات جامعه باعث تضعیف دینداری در بسیاری انسانها می‌شود و دین را عامل بدبختی خود می‌دانند.^{۲۸}

تبعات و آثار منفی فقر به حدی است که امام علی (علیه السلام) فقر را بزرگتر و ناگوارتر از مرگ شمرده است.

«الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ» فقر مرگ بزرگتر است.^{۲۹}

و همچنین می‌فرماید: «الْقَبْرُ خَيْرٌ مِنَ الْفَقْرِ». گور بهتر از فقر است. (یعنی فقری که در آن صبر نباشد و موجب بدبختی دنیا و آخرت گردد).^{۳۰}

امام علی (علیه السلام) خطاب به محمد بن حنفیه، پیامدهای ناگوار فقر را چنین برمی‌شمارند:

« يَا بَنِيَّ، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ؛ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ، مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ ». ای فرزند من از تهی دستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر که همانا فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان و عامل دشمنی است.^{۳۱}

فقر پایه های ایمان را سست، فکر و اندیشه را پریشان و عزت نفس را کم، باعث گسترش فساد، ایجاد عقده حقارت و باعث ایجاد حس کینه ورزی و انتقام جویی می‌شود. فقر خطرناک‌ترین آسیبی است که اگر در مقابله با آن کوتاهی شود، موجب نابودی نیروهای مادی و معنوی انسان و فساد و تباهی استعداد های انسانی می‌گردد، از این رو مبارزه با فقر یکی از اهداف حکومت علوی است.

^{۲۶} ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۴۷.

^{۲۷} . در مقاله ای از نویسنده با عنوان «عوامل جامعه شناختی دین‌گرایی جوان» که در مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۸، ص ۱۶۱-۱۷۳ به چاپ شده مراجعه فرمایید.

^{۲۸} پیشقدم، آسیب شناسی حکومت دینی از دیدگاه امام علی، ص ۲۰۵.

^{۲۹} نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۶۳.

^{۳۰} عبد الواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۲۸۶.

^{۳۱} نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.

۱-۵-۱ علل فقر

اسلام فقر مادی را یک پدیده غیرطبیعی می داند که علت بسیاری از فقرها تنبلی و عدم پشتکار افراد است. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: هر کس بر رنج ناشی از کار بردباری نوزد، باید فقر را تحمل کند. همچنین می فرماید: آن گاه که اشیاء جفت شوند تنبلی و کم با هم جفت گردند و فقر تولد یابد.^{۳۲} همچنین بی برنامه ریزی یا برنامه ریزی نادرست به پیدایش فقر در سطح افراد و جوامع می انجامد. به همین جهت امام علی (علیه السلام) نداشتن برنامه در زندگی و سوء تدبیر را عامل فقر دانسته است. برخی از روایات نیز اسراف را سبب زوال نعمت دانسته اند. از عوامل دیگر فقر ربا خوردن است، خداوند برکت را از سود به دست آمده از معامله و قرض ربوی، برداشته است و همچنین گناه، کفران نعمت های الهی و درخواست از دیگران از دیگر علل فقر است. در بعضی موارد هم فقر مبتنی بر حکمت الهی است.

مولا علی راههای پیشگیری از فقر بیان فرموده که به چند مورد اشاره میکنیم:

۱- صدقه دادن: «استنزلوا الرزق بالصدقه» روزی را به صدقه دادن فرود آورید.^{۳۳}

۲- امانتداری: «اداء الامانه مفتاح الرزق»؛ امانتداری کلید روزی است.^{۳۴}

۳- فروتنی و اخلاق پسندیده: «سعه الاخلاق کیمیاء الارزاق» اکسیر روزی در خوش اخلاقی است.^{۳۵}

۱-۶ آفات تبلیغ

مهمترین آسیب بر پیکر دین، وقتی وارد می شود که عنصر عقلانیت و خردورزی در فهم و ارئه مفاهیم دینی جایگاه خود را از دست بدهد به جای آن احساسات نقش ایفا نماید، دینداری در جامعه دینی دچار تضعیف می شود. زیرا وقتی دین با تفقه و باریک بینی لازم همراه نباشد و نیز وقتی محتوای دین از دورن خودش نباشد، بلکه ناشی از افزودنی ها و کاستی ها باشد، ناهمگونی و بعضا تعارض در فهم و تفاسیر و بینش ها پیش می آید. بنابراین مبلغان باید خود را به سلاح علم و دانش مجهز نمایند و بر پایه خردورزی به تبیین و تبلیغ آموزه های دینی بپردازند.^{۳۶}

امیر مؤمنان علی (علیه السلام): "ایها الناس! الاخیر فی دین لاتفقه فی". یعنی: ای مردم! خیری در آن دین (دینداری) نیست که با تفقه و نیک فهمی همراه نباشد.^{۳۷}

مبلغان دینی باید همچون طبیبی ماهر، با حوصله و بردبار، بدون اینکه انسان هایی را که از فقر معنویت رنج میبرند، تحقیر و فاسق بشمارند، با رفتار توأم با احترام و موعظه همراه با عمل، برخورد نمایند.

^{۳۲} ری شهری، میزان الحکمه، ج ۹، ص ۲۵۱.

^{۳۳} نهج البلاغه، حکمت ۱۳۷.

^{۳۴} شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۸.

^{۳۵} همان، ج ۲۰، ص ۳۱۹.

^{۳۶} حسامی، آسیب شناسی دین در سیره علوی، ص ۵۳.

^{۳۷} مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۱۷.

امیرمؤمنان در این باره میفرماید: «الْمُسْلِمُ مِرَاءً أُخِيهِ، فَإِذَا رَأَيْتُمْ مِنْ أُخِيكُمْ هَفْوَةً فَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ وَ كُونُوا لَهُ كَنَفْسِهِ لِنَفْسِهِ، فَأَرْشِدُوهُ وَ أَنْصَحُوهُ وَ تَرْفُقُوا بِهِ»^{۳۸} «مسلمان آینه برادر مسلمان خویش است. هر گاه از برادر خود لغزشی مشاهده کردید، همگی او را مورد حمله قرار ندهید، بلکه او را ارشاد نمایید و اندرز دهید، با او به نرمی رفتار کنید. مبدا اختلاف کنید که موجب خروج از دین است.

۲- آسیب های اجتماعی

۲-۱ اهمیت عملکرد متولیان دین

عملکرد تمام کسانی که به عنوان متولیان دین شناخته میشوند، در نوع سلوک دین و دینداری مردمان نقش و تأثیری اساسی دارد؛ عالمان، مبلغان، مربیان، معلمان، و هر کس دیگری که در منظر مردمان به نوعی متولی دین شناخته میشود و انتظار دینداری تام و تمام از او می‌رود. انسان بیش از آنکه از قول و سخن و تبلیغ متولیان دین تأثیر بپذیرد، از رفتار و سلوک و عملکرد آنان متأثر میشود، و به همین سبب عملکرد متولیان دین، به ویژه عالمان در تقویت جایگاه دین یا تضعیف آن، و ترویج دین میان مردمان بسیار مهم است. شتاراش امیر مؤمنان در این باره اساسی و کلیدی است:

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ»^{۳۹} «آنکه خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش بپردازد؛ و پیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید باید به کردار ادب نماید؛ و آن که خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته تر به تعظیم است از آنکه دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد.

هرگاه عالمان دین به علم خود عمل نمایند، خطر سست شدن باورهای دینی مردمان و کاهش پابندی آنها به دین جدی است و باعث می‌شود باورهای دینی مردم در معرض امواج تردید و ابهام قرار گیرد و در صورت دست نیافتن به ملاک های دین، میل به دینداری و پابندی به دین در آنان کاهش می‌یابد. آنان که به راستی و درستی دعوت کنند و خود سرا پا نراستی و نادروستی باشند، و به پارسایی فرا خوانند و خود سراپا دنیا دوستی و وجهه طلبی باشند، تضعیف کننده و تباه کننده ایمان مردم هستند. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرموده است: «لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ وَ النَّاهِيْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ»^{۴۰} «خداوند بر آمرین معروفی که آن معروف را ترک کرده اند و ناهیان منکری که به آن منکر عمل می کنند لعنت کرده است. ۴۱» در منظر امیرمؤمنان دعوت به دین و دینداری زمانی مؤثر و مفید است که دعوت کنندگان ابتدا خود به آنچه دعوت می‌کنند پایبند باشند، که اگر جز این باشد، نه تنها تأثیر مثبت و سازنده ندارد، بلکه تأثیری مخرب و منفی خواهد داشت. آن حصرت درباره خود و روش خویش چنین فرموده است:

^{۳۸} ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۰۷.

^{۳۹} دلشاد تهرانی، راهزنان دین، ص ۲۳۹.

^{۴۰} نهج البلاغه، حکمت ۷۳.

^{۴۱} نهج البلاغه، خطبه ۱۳۹.

«أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتُكُم عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَاسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا، وَلَا أَنْهَأَكُم عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَاتَّهَى قَبْلَكُمْ عَنْهَا»^{۴۲} ای مردم به خدا سوگند من شما را به طاعتی بر نمی انگیزم، جز آنکه خود پیش از شما به گزاردن آن برخیزم؛ و شما را از معصیتی باز نمی دارم، جز آنکه خود پیش از شما آنرا فرو گذارم.

۲-۲ خودکامگی در دین

دین به هیچ کس، و به هیچ مرتبه ای اجازه ی خودکامگی و استبداد و برتری جویی نمیدهد و هر گونه رفتار خودکامانه با دین و دینداری مغایرت دارد. چنانچه متولیان دین به هر دلیل و با هر توجیهی به رفتارها و سلوک خودکامانه کشیده شوند، موجبات سستی و بی آبرویی دین را فراهم می کنند و سبب تضعیف دینداری در مردم می شوند.^{۴۳}

امام علی (علیه السلام) در عهدنامه مالک اشتر با بیانی مؤکد درباره نفی استبداد و خودکامگی در حکومت و مدیریت فرموده است: «وَلَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَأَطَاعُ فَإِنَّ ذَلِكَ إِدْعَالٌ فِي الْقَلْبِ، وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ، وَتَقَرَّبٌ مِنَ الْغَيْرِ» و مبادا بگویی من بر آنان مسلطم، از من فرمان دادن است و از ایشان فرمان بردن؛ زیرا این کار دل را تیره و تباه کند، و دین را ناتوان و فرسوده سازد، و دگرگونی را نزدیک گرداند.^{۴۴} در اندیشه و سیره امام علی (علیه السلام) خطرناک ترین پدیده در حکومت و مدیریت، خودکامگی و استبداد است، و هیچ چیز چون آن تباهگر و آسیب زا نیست.

۲-۳ خشونت ورزی در دین و دینداری

دین تجلی رحمانیت حق بر مردمان است و با خشونت ورزی سازگاری ندارد و حتی در اجرای حدود و قوانین نیز جز دلسوزی و شفقت، و لطف و رحمت نسبت به مجرم و نیز نسبت به جامعه انسانی چیزی در کار نیست. اجرای حدود و قوانین، آن هم با دقت و شدت، برای حفظ حرمتها و پاسداری از حقوق انسانها و جلوگیری از تعدی متجاوزان و باز داشتن خیانتکاران از خیانت، امری ضروری، بلکه انسانی ترین اقدامات در حفظ سلامت فرد و جامعه است.^{۴۵}

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) خود چنان حدود و قوانین را بزرگ میدید و محترم می شمرد که به اندازه سر سوزنی تجاوز به قوانین و زیر پا گذاشتن حرمت و حقوق مردمان را برای هیچ کس جایز نمی شمرد.

«وَاللَّهِ لَأَنْ أُبَيَّتَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مُسَهِّدًا أَوْ أُجِرَ فِي الْأَغْلَالِ مُصَفِّدًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ وَغَاصِبًا لَشَيْءٍ مِنَ الْحَطَامِ وَ كَيْفَ أَظْلِمُ أَحَدًا لِنَفْسٍ يُسْرِعُ إِلَى الْبَلَى قُفُولُهَا وَ يَطُولُ فِي الثَّرَى حُلُولُهَا»^{۴۶} به خدا، اگر شب را روی خارهای سعدان بیدار بمانم و در طوق های آهنین گرفتار شوم، خوش تر دارم تا روز رستاخیز بر خدا و رسول در آیم، در حالیکه بر یکی از بندگان، ستم کرده باشم یا اندک چیزی را به ناسزاوار گرفته باشم. و چگونه بر کسی ستم کنم به خاطر نفسی که به کهنگی و فرسودگی شتابان است و زمان ماندنش در خاک دراز و فراوان.

^{۴۲} همان، خطبه ۱۷۵.

^{۴۳} دلشاد تهرانی، آسیب شناسی دین و دینداری در نهج البلاغه، ص ۳۱۲.

^{۴۴} نهج البلاغه، نامه ۵۳.

^{۴۵} موسوی خمینی، جلوه های رحمانی، ص ۳۴.

^{۴۶} نهج البلاغه، حکمت ۲۲۴.

با این اوصاف اگر خشونت و درشتی بر دین و دینداری تحمیل شود، روشن است که تا چه اندازه دین و دینداری را عیبناک می‌کند و زیباییها و لطافت و هدایت‌های دین را به زشتی بدل می‌سازد و پیامدهای ویرانگر بر باورهای دینی مردم دارد. خشونت و درشتی گریز آور است و چنانچه تحت لوای دین بر مردم خشونت روا شود، میل به گریز از دین و دینداری را در بخشی از مردم ایجاد می‌کند. امیر مؤمنان همیشه به جانشینان خود در مناطق مختلف یاد آور میشد که با مردم به عدالت رفتار کنند و از خشونت و درشتی بپرهیزند تا زمینه فرار مردم از دین را فراهم نکنند.

۴-۲ ایجاد تکلف در دین و دینداری

مراد از تکلف در دین و دینداری، تحمیل فرمانها و دستورها و قواعدی به حیطه دین و دینداری است که شارع مقدس آن حیطه را منطقه فراغ قرار داده و مکلفین را در آنجا آزاد گزاردده است، که تحمیل این فرمانها در منطقه آزاد، موجب مشقت در دینداری می‌شود و نیز سبب ظاهرسازی و ریاکاری می‌شود. پس منطقه فراغ در دین نباید مملو از بایدها و نبایدها شود که مردم را به تکلف و تصنع می‌کشاند و دین و دینداری را تضعیف می‌کند، زیرا اعمال بایدها و نبایدها در محدوده آزاد دین، خلاف روح شریعت است. خداوند دوست دارد در مسائل که مردم را آزاد گذاشته است، مردم هم آزاد باشند و از خود چیزی درنیابند. امیر المؤمنین می‌فرماید: خدا یک چیزهایی را واجب کرده است، آنها را ترک نکنید، یک چیزهایی را ممنوع اعلام کرده است، به آنها تجاوز نکنید، و خدا درباره بعضی مسائل سکوت کرده است، البته فراموش نکرده است، بلکه خواسته است که سکوت کند و بندگان در آن مسائل آزاد و مختار باشند. در آنچه خداوند آزاد گذاشته است دیگر تکلیف معین نکنید.^{۴۸}

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «اللَّهُ افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا، وَ حَدَّ لَكُمْ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا، وَ نَهَاكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا، وَ سَكَتَ لَكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ وَ لَمْ يَدْعَهَا نِسْيَانًا فَلَا تَتَكَلَّفُوهَا». خداوند تکالیفی بر شما واجب کرده است، آنها را ضایع نکنید، و حد و مرزهایی برای شما تعیین کرده است، از آنها تجاوز نکنید؛ و از چیزهایی شما را نهی کرده است، حرمت آنها را نگه دارید؛ و درباره اموری سکوت فرموده است، نه از سر فراموشکاری، پس خود را درباره آنها به زحمت نکنید و تکلف ایجاد نکنید.

۵-۲ عدم رعایت حقوق متقابل

نظام دین بر حقوق مداری استوار است و همه چیز در آن تابع حدود و حقوق است. در اندیشه دینی به هیچ وجه برای کسی حق یکطرفه وجود ندارد و خدای رحمان با جعل حقوق متقابل برای برخی از مردم نسبت به برخی دیگر، و برای زمامداران و مردمان نسبت به هم، روابط و مناسبات انسانی و اجتماعی حکومتی را آن طور که باید نشان داده است. خداوند آن حقوق را چنان وضع کرده است که هر حقی در برابر حقی دیگر قرار می‌گیرد. هر حقی به نفع یک فرد و یا یک جمعیت، موجب حقی دیگر است که آن را متعهد می‌کند. در میان این حقوق متقابل، حق مردم بر حکومت و حق حکومت بر مردم، از اهمیتی ویژه

^{۴۷} دلشاد تهرانی، راهزنان دین، ص ۲۹۸.

^{۴۸} مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

^{۴۹} نهج البلاغه، حکمت ۱۰۵.

برخوردار است، زیرا رعایت این حقوق متقابل و جلوه یافتن حق و عدل در جامعه، موجب ظهور دینداری در جامعه و اصلاح امور است.^{۵۰}

در اندیشه ناب علوی، عدم رعایت حقوق متقابل مردمان و زمامداران و آسیب های جدی به دین و دینداری وارد می سازد، چنانکه امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«وَإِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَةُ وَالْيَهَاءُ، أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِي بِرَعِيَّتِهِ، اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ، وَظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجَوْرِ، وَكَثُرَ الْإِدْغَالُ فِي الدِّينِ، وَتَرَكْتُ مَحَاجَّ السُّنَنِ، فَعَمِلَ بِالْهَوَى، وَعَطَلْتُ الْأَحْكَامَ، وَكَثُرَتْ عِلَلُ النَّفُوسِ، فَلَا يَسْتَوْحِشُ لِعَظِيمِ حَقِّ عَطَلٍ، وَلَا لِعَظِيمِ بَاطِلِ فُعْلٍ! فَهِنَالِكَ تَذِلُّ الْأَبْرَارُ، وَتَعَزُّ الْأَشْرَارُ، وَتَعْظُمُ تَبِعَاتُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ»^{۵۱} اگر مردم بر زمامداران چیره شوند و یا زمامداران بر مردم ستم کند، اختلاف کلمه پدیدار گردد، و نشانه های ستم آشکار، و تبهکاری در دین بسیار؛ راه گشاده سنت را رها کنند، و کار از روی هوا کنند، و احکام فروگذار شود و بیماری جانها بسیار. و بیمی نکنند که حقی بزرگ فرو نهاده شود و یا باطلی سترگ انجام داده. آن گاه نیکان خوار شوند، و بدکاران بزرگ مقدار، و تاوان فراوان بر گردن بندگان از پروردگار.

پیام امام (علیه السلام) حاکی از آن است که زیر پا گذاشتن حقوق متقابل آسیب هایی سخت بر دین و دینداری وارد می سازد. این گونه است که تباهی در دین بسیار می شود، و دین بی مایه و ضعیف می گردد؛ احکام شرعی تعطیل می شود و بدین صورت سرزمین دین و دینداری آسیب می بیند.

نتیجه گیری

دین از روز اول خلقت بشر، همراه او بوده و نخستین انسان آفریده شده نخستین پیامبر خدا نیز بوده است. حال که این موهبت عظیم در اختیار بشر قرار داده شده است، عقل حکم می کند که از ارزشمندترین هدیه الهی، عالی ترین بهره برداری صورت گیرد و چون بهره برداری از هر چیز متوقف شناخت قوت و ضعف آن است که این به تنهایی برای بشر امکان پذیر نیست. اما بر کسی پوشیده نیست که امیر مؤمنان پیشوای فصیحان و سرور بلیغ گویان است. اعجاز و شگفتی سخنش در کتاب گرانقدر نهج البلاغه، نگاشته شده است که در همه دوران ها راهنمای بشر در دینداری می باشد. از آنجا که دین و دینداری با حقیقت انسان سر و کار دارد، بحران های ناشی از آسیب دینداری بسیار عمیق و گسترده است و می تواند به بحران های روحی و فکری، بحران های فرهنگی و اعتقادی، بحران های اجتماعی و سیاسی، و بی هویتی آدمی منجر گردد. بهره گیری از کلام گهربار مولا علی خلأ های فکری و اجتماعی و سیاسی انسان را پر می کند و پاسخگوی تمام مشکلات و مسائل گوناگون جوامع بشری در همه زمانها و مکانها است.

^{۵۰} سیری در نهج البلاغه، صص ۱۰۶-۱۰۷.

^{۵۱} نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمدابوالفضل ابراهیم، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول، ۱۳۳۶هـ.ش.

ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی، تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ هـ.ق. اسعدی، علیرضا، امام علی و دینداری، قم: مؤسسه آیت عشق، چاپ اول، ۱۳۸۳هـ.ش. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸هـ.ش.

پیشقدم، غلامرضا، آسیب شناسی حکومت دینی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۰ هـ.ش. حسامی، فاضل، آسیب شناسی دین در سیره علوی، بی جا: انتشارات معرفت، ۱۳۸۰ هـ.ش. دلشاد تهرانی، مصطفی، راهزنان دین، چاپ دوم، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۸۹هـ.ش. محمدی ری شهری، شیخ محمد، میزان الحکمه، قم: انتشارات دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ.ش. مصباح یزدی، محمد تقی، قلمرو دین نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم: بی نا، ۱۳۸۲ هـ.ش. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، بی جا: انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۲ هـ.ش. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی (علیه السلام)، تهران: انتشارات حسینیه ارشاد، چاپ اول، ۱۳۴۹هـ.ش. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، چاپ اول، بی جا: انتشارات صدرا، ۱۳۶۳هـ.ش. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶ هـ.ش. معلوف، لویس، فرهنگ نوین، ترجمه: احمد سیاح، تهران: انتشارات نی، ۱۳۹۰. موسوی خمینی، روح الله، جلوه های رحمانی، بی جا: انتشارات معاونت فرهنگی هنری بنیاد شهید انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱هـ.ش.

نکویی سامانی، مهدی، آسیب شناسی دین و معرفت دینی، تهران: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۰هـ.ش.

مقالات

درستی مطلق، مرجان، «راهکارهای گرایش جامعه به دینداری»، فرهنگ پژوهش، شماره ۱، ۱۳۸۳هـ.ش. سالمی، احمد، «بررسی تاثیرات فقر بر انحرافات اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، فرهنگ پژوهش، شماره ۳۹۹، ۱۳۸۹هـ.ش.